



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوة والسلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

کتاب پرست  
از سنت حامی  
رسول خداست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# گریه بر میت از سنت های رسول خداست

نویسنده:

علامه سید مرتضی عسکری

ناشر چاپی:

مجمع علمی اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

فهرست	۵
گریه بر میت از سنت های رسول خداست	۷
مشخصات کتاب	۷
مقدمه	۷
وحدت بر محور کتاب و سنت	۷
الف - روایاتی که می گوید : پیامبر بر متوفی گریست و بر آن ترغیب فرمود	۷
۱ - گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در بیماری سعد بن عباده :	۷
۲ - گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر پسرش ابراهیم :	۸
۳ - گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر نوه خویش :	۸
۴ - گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر عموی خویش حمزه :	۸
۵ - گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر شهدای جنگ موته :	۸
۶ - گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر جعفر بن ابی طالب :	۹
۷ - گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر مزار مادرش آمنه :	۹
۸-گریه پیامبر(ص) بر فرزندش حسین در مناسبتهای گوناگون و تایید خبر دادن فرشتگان به پیامبر	۹
۱ - حدیث ام الفضل :	۹
۲ - روایت زینب بنت جحش :	۹
۳ - روایت عایشه :	۱۰
۴ - روایت ام سلمه :	۱۰
۵ - حدیث انس بن مالک :	۱۰
ب - روایاتی که می گوید : پیامبر صلی الله علیه و آله از گریه کردن نهی فرمود ، و منشا این روایات	۱۰
رسول خدا صلی الله علیه و آله عمر را از نهی ، نهی می کند	۱۱
مقایسه روایات و نتیجه آن	۱۱
پی نوشتها	۱۲

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ..... ۱۳

## گریه بر میت از سنت های رسول خداست

### مشخصات کتاب

سرشناسه: عسکری مرتضی - ۱۲۹۳ عنوان و نام پدیدآور: گریه بر میت از سنت های رسول خدا (ص است مرتضی عسکری مترجم محمدجواد کرمی مشخصات نشر: مجمع علمی اسلامی ۱۳۷۶. مشخصات ظاهری: ۳۲ ص ۵/۱۱X۱۶ س م فروست: (بر گستره کتاب و سنت ۱) شابک: ۹۶۴-۵۸۴۱-۳۱-۳۱۰۰۰-۳۱۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۵۸۴۱-۳۱-۳۱۰۰۰-۳۱۰۰۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: گریه -- جنبه های مذهبی -- اسلام شناسه افزوده: کرمی محمدجواد، مترجم رده بندی کنگره: ۲۶۰/BP۵ع ۴ گ ۴ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۴ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۶۳۶۴

### مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم لقد كان لكم في رسول الله اسوه حسنه لمن كان يرجو الله واليوم الآخر و ذكر الله كثيرا براستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شما اسوه و سرمشق نیکویی است، برای آنان که به خدا و روز قیامت امید داشته و خدا را بسیار یاد می کنند. احزاب / ۲۱ از متن کتاب و سنت از برگیریم عز و شرف گذشته از سر گیریم

### وحدت بر محور کتاب و سنت

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، والصلاه والسلام على محمد و آله الطاهرين و السلام على اصحابه البرره الميامين. ما مسلمان یکپارچه، از درون و از راه مسائل اختلافی با خود نزاع برخاستیم و دشمنان اسلام از برون و از راهی که ندانستیم، وحدتمان را به تفرقه و شوکتان را به ضعف کشاندند تا از دفاع ناتوانمان کردند و بر ما چیرگی یافتند؛ در حالی که خدای سبحان فرموده است: و اطیعوا الله و رسوله و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم خدا و پیامبرش را به اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ناتوان شوید و قدرت و شوکت شما برود! انفال / ۴۶ آری: ما اصابکم من مصیبه فیما کسبت ایدیکم و یعفو عن کثیر هر مصیبتی به شما رسد دست آورد خودتان است و خداوند بسیاری را نیز، می بخشد! شوری / ۳۰ پس شایسته آن است که امروز و هر روز، به کتاب و سنت باز گردیم و وحدت کلمه خود را بر محور کتاب و سنت باز یابیم که خدای متعال می فرماید: فان تنازعتم فی شی فروده الی الله و الرسول پس اگر در چیزی نزاع کردید حکم آن را به خدا و رسول باز گردانید. نساء / ۵۹ ما نیز، در این سلسله از بحث ها به کتاب و سنت مراجعه کرده و ابزار روشنگر راهمان در مسائل مورد اختلاف را از کتاب و سنت می گیریم تا - به اذن خدای متعال - وسیله وحدت کلمه و یکپارچگی دوباره مان گردد. امیدوارم دانشمندان و اندیشمندان اسلامی نیز، در این میدان با ما همراهی نموده و دیدگاههای خود را برای ما ارسال دارند. سید مرتضی عسکری

### الف - روایاتی که می گوید: پیامبر بر متوفی گریست و بر آن ترغیب فرمود

#### ۱ - گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در بیماری سعد بن عباده:

در صحیح مسلم از عبدالله بن عمر روایت کند که گفت: سعد بن عباده بیمار شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله، برای عیادت، همراه با عبدالرحمان بن عوف و سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن مسعود به دیدار او رفتند. بر بالینش که رسیدند مدهوشش یافتند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا جان سپرده است؟ گفتند: نه، ای رسول خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله به گریه افتاد. مردم

نیز که گریستن رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدند به گریه افتادند. فرمود: آیا نمی شنوید؟ خداوند بر سر شک دیده عذاب نمی کند، و بر اندوه دل نیز، ولی به خاطر این - با اشاره به زبان خود - عذاب می کند یا می بخشاید. (۱)

## ۲ - گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر پسرش ابراهیم:

در صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود و سنن ابن ماجه از انس بن مالک روایت کنند که گفت: (۲) با رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدیم... ابراهیم در حال جان سپردن بود. چشمان پیامبر اشک ریزان شد، عبدالرحمان بن عوف گفت: ای رسول خدا! شما هم؟! فرمود: پسر عوف! این رحمت است سپس بر آن افزود و فرمود: درست می بینی دیده گریان است و دل اندوهبار، ولی هرگز چیزی - جز آنچه که پروردگاران را خشنود کند - بر زبان نیاوریم. ای ابراهیم! برستی که ما از جدایی تو اندوهگینیم. (۳) این روایت در سنن ابن ماجه چنین است: انس بن مالک گوید: هنگامی که ابراهیم پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله جان سپرد، پیامبر صلی الله علیه و آله به حاضران فرمود: او را در کفن هایش نپوشانید تا برای آخرین بار دیارش کنم. سپس بر بالینش آمده بر روی او خم شد و گریست. (۴) در سنن ترمذی آمده است: جابر بن عبدالله گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله دست عبدالرحمان بن عوف را گرفت و با وی بر بالین پسرش ابراهیم آمد و او را که در حال جان سپردن بود در بر گرفت و بر دامن نهاد و گریستن آغازید. عبدالرحمان بن عوف گفت: آیا گریه می کنی؟ مگر شما نبودید که از گریه کردن باز می داشتی؟! فرمود: نه، من از فغان و فریاد دو گروه احمق و سفیه گناهکار باز داشتم: آنان که هنگام مصیبت چهره می خراشند و گریان می درند و ناله های شیطانی سر می دهند. (۵)

## ۳ - گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر نوه خویش:

در صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود و سنن نسائی روایت کنند: دختر پیامبر صلی الله علیه و آله برای آن حضرت پیام داد: نزد ما بیا که، پسری از من جانسپار است. پیامبر برخاست و همراه با سعد بن عباد و مردانی از اصحاب خویش به دیدار آنها آمدند. کودک را که در حال نفس زدن و جان دادن بود نزد آن حضرت آوردند. سرشک دیدگان پیامبر صلی الله علیه و آله به جوشش آمد. سعد گفت: ای رسول خدا! چه می بینم؟! فرمود: این رحمت و عطوفتی است که خداوند در دلهای بندگانش قرار داده است، و خداوند تنها بندگان رحیم و مهربان خود را مورد رحمت و بخشایش قرار می دهد. (۶)

## ۴ - گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر عموی خویش حمزه:

در طبقات ابن سعد، مغازی واقدی، مسند احمد و دیگر کتب مکتب خلفا روایت کنند: رسول خدا صلی الله علیه و آله - پس از جنگ احد - هنگامی که صدای گریه از خانه های انصار بر کشته هایشان را شنید، دیدگانش اشکبار شد و گریست و فرمود: ولی حمزه گریه کننده ای ندارد. سعد بن معاذ که آن را شنید به نزد زنان بنی عبد الاشمل شتافت و آنان را به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و تسلیت بر او و گریستن بر حمزه فرا خواند. پیامبر صلی الله علیه و آله بر ایشان دعا کرد و آنان را بازگردانید. پس از آن واقعه، هیچ یک از زنان انصار بر مرده ای نگریست مگر آنکه ابتدا بر حمزه کرد و پس از آن بر مرده خویش گریست. (۷)

## ۵ - گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر شهدای جنگ موته:

در صحیح بخاری روایت کند: پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه شهید شدن زید و جعفر و ابن رواحه را، پیش از رسیدن خبر آنان، برای مردم توصیف کرد و فرمود: زید پرچم را بر گرفت و ضربت خورد و شهید شد! سپس جعفر پرچم را بر گرفت. او نیز



شهید شد! پس از آن ابن رواحه پرچم گرفت و شهید شد. پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی این سخنان را می فرمود که دیدگانش سرشک می ریختند! (۸)

### ۶- گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر جعفر بن ابی طالب :

در استیعاب ، اسد الغابه ، اصابه ، تاریخ ابن اثیر و دیگر کتب مکتب خلفا روایتی است که فشرده آن چنین است : هنگامی که جعفر و اصحاب او به شهادت رسیدند ، رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه او رفت ، فرزندان او را فرا خواند و آنان را - در حالی که سرشک دیدگانش فرو می ریخت - بوئید و نوازش کرد . همسر جعفر ، اسماء گفت : پدر و مادرم فدای شما باد ، چه چیز را می گریاند ؟ آیا از جعفر و یاران او چیزی به شما رسیده ؟ فرمود : آری ، امروز شهید شدند . اسماء گفت : من برخاستم و صیحه زدم و زنان را گرد آوردم ، وارد خانه فاطمه که شدم دیدم او می گرید و می گوید : وای عمویم ! و رسول خدا صلی الله علیه و آله که چنین دید فرمود : براستی که گریه کنندگان ، باید بر مثل جعفر بگریند . (۹)

### ۷- گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر مزار مادرش آمنه :

در صحیح مسلم ، مسند احمد ، سنن ابی داود ، نسائی ، و ابن ماجه روایت کنند : (۱۰) ابوهریره گوید : پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبر مادرش را زیارت کرد و گریست و همه اطرافیان را گریانید . (۱۱)

### ۸- گریه پیامبر (ص) بر فرزندش حسین در مناسبتهای گوناگون و تایید خبر دادن فرشتگان به پیامبر

#### ۱- حدیث ام الفضل :

در مستدرک صحیحین ، تاریخ ابن عساکر ، مقتل خوارزمی و دیگر کتب مکتب خلفا آمده است : (۱۲) از ام الفضل دختر حارث روایت کنند که او بر پیامبر خدا وارد شد و گفت : ای رسول خدا ! من در شب گذشته خواب ناخوشایندی دیدم ! فرمود : چه دیده ای ؟ گفت : خیلی سخت است ، فرمود : چیست ؟ گفت : دیدم گویا قطعه ای از جسد شما جدا شد و در دامنم قرار گرفت ! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : چیز خوبی دیده ای فاطمه انشاءالله پسری به دنیا می آورد و در دامن تو جای می گیرد پس گوید : پس از آن ، فاطمه - همان گونه که پیامبر فرموده بود - حسین را به دنیا آورد ، و او را در دامن من جای گرفت . روزی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم و حسین را در دامن آن حضرت نهادم ، اندکی بعد توجهش از من منحرف شد ، بناگاه دیدم دیدگان پیامبر صلی الله علیه و آله سیل آسا اشک می بارد ! گوید : گفتم : ای نبی خدا ! پدر و مادرم به فدایت ، شما را چه می شود ؟ فرمود : جبرئیل - علیه الصلاه و السلام - به دیدارم آمد و به من خبر داد که ، اتمم بزودی این پسر را می کشند . گفتم : این را ؟ فرمود : آری ، او قدری از تربت سرخش را نیز برای من آورد . حاکم صاحب مستدرک صحیحین گوید : این حدیث با شرائط شیخین =بخاری و مسلم حدیثی صحیح است ، ولی آن را نیاورده اند . (۱۳)

#### ۲- روایت زینب بنت جحش :

در تاریخ ابن عساکر ، مجمع الزوائد ، تاریخ ابن کثیر و دیگر کتب مکتب خلفا روایت کنند : (۱۴) زینب گوید : در یکی از اوقات که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه من بود و من حسین تازه به راه افتاده را نگه می داشتم ، لحظه ای از وی غافل شدم و او نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت . فرمود : آزادیش بگذار . - تا آنجا که گوید - سپس دستش را بلند کرد . پس از آن که

پیامبر صلی الله علیه و آله نمازش را به انجام رسانید گفتم: ای رسول خدا! من امروز کاری را از شما دیدم که تا به حال ندیده بودم؟! فرمود: جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد امت من این فرزندم را می کشند. گفتم: پس تربتش را به من نشان بده و او تربت سرخ رنگی برایم آورد. (۱۵)

### ۳ - روایت عایشه:

در تاریخ ابن عساکر، مقتل خوارزمی، مجمع الزوائد و دیگر کتب پیروان مکتب خلفا از ابی سلمه بن عبدالرحمن روایت کنند: (۱۶) عایشه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله که حسین را بران خود نشانید، جبرئیل نزد او آمد و گفت: این پسر توست؟ فرمود: آری، گفت: ولی امت بزودی - پس از تو - او را می کشند. دیدگان پیامبر صلی الله علیه و آله اشکبار شد. جبرئیل گفت: اگر بخواهی سرزمینی را که در آن کشته می شود به تو نشان می دهم. فرمود: آری چنین کن. جبرئیل نیر، خاکی از سرزمین طف = کربلا را به آن حضرت نمایاند. در عبارت دیگری چنین است: جبرئیل به سوی سرزمین طف در عراق اشاره کرد و تربتی سرخ فام بر گرفت و به او نشان داد و گفت: این تربت قتلگاه اوست. (۱۷)

### ۴ - روایت ام سلمه:

در مستدرک صحیحین، طبقات ابن سعد، تاریخ ابن عساکر و دیگر کتب پیروان مکتب خلفا روایت کنند (۱۸) که راوی گفته است: ام سلمه - رضی الله عنها - مرا خبر داد که: یک شب رسول خدا صلی الله علیه و آله برای خواب در بستر شد و اندکی بعد با حالتی افسرده بیدار گردید؛ سپس خوابید و آرام گرفت و دوباره با حالتی سبک تر از آنچه در مرحله اول دیده بودم، بیدار شد؛ سپس خوابید و باز هم - در حالتی که تربت سرخ فامی در دست داشت و آن را می بوسید - از خواب بیدار شد. عرض کردیم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! این تربت چیست؟ فرمود: جبرئیل مرا خبر داد که این = حسین علیه السلام در سرزمین عراق کشته می شود. به جبرئیل گفتم: تربت زمینی را که در آن کشته می شود به من نشان بده. و این تربت آن جاست. حاکم گوید: این حدیث با شرایط شیخین بخاری و مسلم حدیثی صحیح است ولی آن را در کتب خود نیاورده اند. (۱۹)

### ۵ - حدیث انس بن مالک:

در مسند احمد، المعجم الکبیر طبرانی، تاریخ ابن عساکر و دیگر کتب پیروان مکتب خلفا روایت کنند: (۲۰) انس بن مالک گوید: یکی از فرشتگان به نام قطر از پروردگار خود اجازه خواست تا به دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله بیاید؛ خداوند اذنش داد و او در روز نوبت ام سلمه وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به ام سلمه فرمود: مواظب باش کسی در مجلس ما وارد نگردد. در همان حال که او بر درب اطاق بود ناگهان حسین بن علی - علیه السلام - سر رسید و در را گشود و وارد شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز، او را در بر گرفت و بوسه باران کرد. آن فرشته گفت: دوستش داری؟ فرمود: آری. گفت: امت بزودی او را می کشند! اگر بخواهی مکانی را که در آن کشته می شود به تو نشان می دهم؟ فرمود: آری می خواهم. گوید: آن فرشته مشتی از مکان کشته شدن او را برگرفت و به آن حضرت نمایاند، پس از آن قدری ماسه یا خاک سرخ آورد. ام سلمه آن را گرفت و در جامه خود نهاد. راوی حدیث، ثابت، گوید: ما - در آن زمان - می گفتیم: این کربلاست! (۲۱)

### ب - روایاتی که می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله از گریه کردن نهی فرمود، و منشا این روایات

در صحیح مسلم و سنن نسائی از عبدالله روایت کنند: حفصه بر حال عمر گریست. عمر گفت: آرام باش دخترم! آیا نمی دانی

که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: میت به خاطر گریه بستگانش بر او عذاب می بیند؟! (۲۲) در روایت دیگری آمده است: عمر گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: میت در قبر به خاطر نوحه و زاری بر او عذاب می بیند. (۲۳) و در دیگری: عبدالله بن عمر گوید: هنگامی که عمر ضربت خورد، مدهوش گردید. بدین خاطر، بر او صیحه و شیون کردند. چون به هوش آمد گفت: آیا نمی دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: میت به خاطر گریه زنده عذاب می بیند. (۲۴) استدراک عایشه بر حدیث و رفع اشتباه از عمر و پسرش: در صحیح بخاری، صحیح مسلم و سنن نسائی روایت کنند: ابن عباس گوید: به مدینه که رسیدیم، امیرالمومنین = عمر هنوز استقرار نیافته بود که ضربت خورد. صهیب با فریاد: وای برادرم! وای یاورم! بر بالین او آمد. عمر گفت: آیا نمی دانی، آیا نشنیده ای که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: میت به خاطر برخی گریه های بستگانش عذاب می بیند؟! ابن عباس گوید: من برخاستم و نزد عایشه رفتم و از آن چه گذشته بود آگاهش کردم. عایشه گفت: نه به خدا! رسول خدا هرگز نفرموده: میت به خاطر گریه کسی عذاب می بیند. بلکه فرموده: ان الکافر یزیده الله بیکاء اهله عذابا و ان الله لهو اضحک و ابکی، و لا- ترز وازره و زر اخری خداوند کافر را به خاطر بستگانش بیشتر عذاب می کند، و خداوند است که می خندانند و می گریانند، و هیچ کس بار گناه دیگری را بر ندارد. قاسم بن محمد گوید: هنگامی که سخن عمر و پسرش به عایشه رسید گفت: شما مرا از کسانی خبر می دهید که نه دروغگویند و نه دروغزن، ولی به هر حال گوش آدمی خطا می شنود. (۲۵) در صحیح مسلم، صحیح بخاری، سنن ترمذی و موطا مالک روایت کنند: هشام بن عروه از پدرش، گوید: در نزد عایشه گفته شد که ابن عمر گفته است: میت به خاطر گریه بستگانش بر او، عذاب می بیند. عایشه گفت: خدای بر ابا عبدالرحمن ببخشاید، چیزی را شنیده ولی خوب در نیافته، قضیه چنین بود که: جنازه یهودی را - در حالی که بر او می گریستند - از کنار پیامبر صلی الله علیه و آله عبور دادند، آن حضرت فرمود: شما می گریید و او عذاب می شود. (۲۶) امام نووی متوفای ۶۷۶ ه در شرح صحیح مسلم، درباره روایات نهی از گریستن که از رسول خدا روایت شده، گوید: این روایات تنها از روایت عمر و پسرش عبدالله است. عایشه آنها را انکار کرده و آن را از نسیان و فراموشی و اشتباه آن دو دانسته، و منکر صدور آن از پیامبر صلی الله علیه و آله شده است. (۲۷)

### رسول خدا صلی الله علیه و آله عمر را از نهی، نهی می کند

در سنن نسائی، سنن ابن ماجه و مسند احمد روایت کنند که: (۲۸) سلمه بن ازرق گوید: شنیدم که ابوهریره می گفت: یکی از بستگان رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، زنان جمع شده و بر او گریه می کردند، عمر برخاست و آنان بر او بازداشته و پراکنده می کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عمر! آنان را به حال خود واگذار که چشمها اشکبار و دلها مصیبت دیده داغشان تازه است. (۲۹) در مسند احمد از وهب بن کیسان از محمد بن عمرو روایت کند که: سلمه بن ازرق با عبدالله بن عمر در بازار نشسته بودند که عده ای جنازه ای را عبور داده و بر آن می گریستند. عبدالله بن عمر این کار را ناپسند شمرده و آنان را طرد کرد. سلمه بن ازرق به او گفت: چنین مگو! زیرا من خود شاهد بودم و از ابوهریره شنیدم - زنی از بستگان مروان جان سپرده بود و مروان دستور می داد زنانی را که بر او می گریستند از آنجا برانند - ابوهریره که بر سر جنازه آمده بود گفت: ای اباعبدالملک! آنان را به حال خود واگذار، زیرا جنازه ای را از مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله عبور دادند. من و عمر بن خطاب نیز، در کنار آن حضرت بودیم. عمر شروع به راندن زنانی کرد که همراه جنازه می گریستند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پسر خطاب! آنان را به حال خود واگذار که جانشان مصیبت دیده، چشمشان اشکبار و داغشان تازه است (۳۰)

### مقایسه روایات و نتیجه آن

روایات بخش اول اثبات کرد: گریه کردن بر محتضر و کسی که در حال جان دادن است و کسی که جان سپرده و نیز، گریه بر مزار مردگان - شهید باشد یا غیر شهید - از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد. روایات بخش دوم اثبات کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها بر فرزندش شهیدش = حسین علیه السلام گریه کردند، و با اثبات آن، گریه آن حضرت بر حسین - علیه السلام - به بخش اول می پیوندد و از سیره و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله بشمار می آید. روایات بخش سوم اثبات کرد: روایات نهی پیامبر صلی الله علیه و آله از گریه بر میت، تنها از سوی خلیفه دوم و پسرش عبدالله است؛ و از استدراک ام المومنین عایشه بر آنها که گفت: خدای بیخشاید ابا عبدالرحمن را، چیزی را شنیده ولی در نیافته و سخنان دیگر صحابه مانند: ابوهریره و ابن عباس پیرامون این موضوع در می یابیم که: آنچه خلیفه دوم و پسرش عبدالله درباره نهی پیامبر صلی الله علیه و آله از گریستن بر میت روایت کرده اند، خطا و اشتباه است بنابراین، گریستن بر کسی که در حال مردن است، و گریستن بر میت، و گریستن بر مزار میت، از سیره و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است. ای این رو، گریه بر حسین - علیه السلام - نیز، پیروی از سیره و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد

### پی نوشتها

۱- صحیح مسلم، جلد دوم، ص ۶۳۶، کتاب الجنائز، باب ۶.۲- عبارت از صحیح بخاری است. ۳- صحیح مسلم، جلد ۴، ص ۱۸۰۸، کتاب الصبیان، سنن ابی داود، جلد ۳، ص ۱۹۳، باب البكاء علی المیت، سنن ابن ماجه، جلد ۱، ص ۵۰۷. صحیح بخاری، جلد ۱، ص ۱۵۸. ۴- سنن ابن ماجه، جلد ۱ (ص) ۴۷۳، کتاب الجنائز. ۵- سنن ترمذی، جلد ۴ ص ۲۲۶، کتاب الجنائز، باب الرخصه فی البكاء علی المیت. این حدیث نزد علمای حدیث شناس مکتب خلفا حدیثی حسن است. ۶- صحیح بخاری، کتاب الجنائز، باب قول النبی صلی الله علیه و آله: یعذب المیت ببعض بکاء اهله علیه. کتاب المرضی، باب: عباده الصبیان جلد ۴، ص ۳ و ۱۹۱. کتاب التوحید، باب: ان رحمه الله قریب من المحسنین. صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب: البكاء علی المیت جلد ۲ ص ۶۳۶ حدیث ۱۱. سنن ابی داود، کتاب الجنائز، باب: البكاء علی المیت جلد ۳ ص ۱۹۳ حدیث ۳۱۲۵. سنن النسائی، جلد ۴ ص ۲۲، کتاب الجنائز، باب الامر بالاحتساب و الصبر. مسند احمد، جلد ۵ ص ۲۰۴ و ۲۰۶ و ۲۰۷. ۷- ابن روایت را از شرح حال حمزه در طبقات ابن سعد. جلد ۳ ص ۱۱ چاپ دار صادر بیروت. ۱۳۷۷ ه. آوردیم. مشروحتر آن را مغازی واقدی، جلد ۱ ص ۳۱۵ - ۳۱۷، آمده است. و نیز، امتاع الاسماع، جلد ۱ ص ۱۶۳. مسند احمد. جلد ۲ ص ۴۰. تاریخ طبری، جلد ۲ ص ۵۳۲ چاپ مصر. سیره ابن هشام جلد ۳ ص ۵۰. ابن عبد البر در استیعاب، و ابن اثیر در اسد الغابه نیز، فشرده آن را در شرح حال حمزه آورده اند. ۸- صحیح بخاری، جلد ۲ ص ۲۰۴، کتاب فضائل الصحابه، باب: مناقب خالد. البدایه و النهایه، ابن کثیر، جلد ۴ ص ۲۵۵. سنن الکبری، بیهقی، جلد ۴ ص ۷۰. انساب الاشراف، جلد ۲ ص ۴۳. شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغه، جزء ۱۵ ص ۷۳. ۹- تاریخ ابن اثیر، جلد ۲ ص ۹۰ و دیگر کتب مورد اشاره در متن در شرح حال جعفر طیار. ۱۰- عبارت متن از صحیح مسلم است. ۱۱- صحیح مسلم، جلد ۲ ص ۶۷۱، کتاب الجنائز، باب ۳۶ حدیث ۱۰۸. مسند احمد، جلد ۲ ص ۴۴۱. سنن نسائی، جلد ۴ ص ۹۰، کتاب الجنائز. سنن ابن ماجه، جلد ۱ ص ۵۰۱، حدیث ۱۵۷۲. ۱۲- عبارت متن از مستدرک است. ۱۳- مستدرک صحیحین، جلد ۳ ص ۱۷۶ و فشرده آن در ص ۱۷۹. تاریخ ابن عساکر، حدیث ۶۳۱ و نزدیک به آن در حدیث ۶۳۰ مجمع الزوائد، جلد ۹ ص ۱۷۹. مقتل خوارزمی، جلد ۱ ص ۱۵۹ و ۱۶۲. تاریخ ابن اثیر جلد ۶ ص ۲۳۰، در جلد ۸ ص ۱۹۹ نیز به اشاره کرده است. امالی شجری، ص ۱۸۸. فصول المهمه ابن صباغ مالکی، ص ۱۴۵. روض النضیر، جلد ۱ ص ۸۹. صواعق، ص ۱۱۵ و در چاپ دیگر ص ۱۹۰. کنز العمال، جلد ۶ ص ۲۲۳ چاپ قدیم. الخصائص الکبری، جلد ۲ ص ۱۲۵. در کتاب های مکتب اهل بیت - علیه السلام - نیز، در مشیر الاحزان، ص ۸ و لهوف ابن طاوس، ص ۷۰۶، آمده است ۱۴- عبارت از تاریخ ابن عساکر و فشرده آن است. ۱۵- تاریخ ابن عساکر، شرح حال امام

حسین علیه السلام، حدیث ۶۲۹. مجمع الزوائد، جلد ۹ ص ۱۸۸. کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۱۱۲. ابن کثیر نیز در تاریخ خود، جلد ۸ ص ۱۹۹ به آن اشاره کرده است. در کتابهای پیروان مکتب اهل بیت نیز، در امالی شیخ طوسی، جلد ۱ ص ۳۲۳. مثير الاحزان، ص ۷ - ۱۰، که در پایان آن تمه مهمی است. و همچنین در لهوف ص ۷ - ۹ ام المومنین زینب بنت جحش زوجه رسول خدا صلی الله علیه و آله است. ۱۶- عبارت خوارزمی را آوردم. ۱۷- طبقات ابن سعد، حدیث ۲۶۹، تاریخ ابن عساکر، شرح حال امام حسین - علیه السلام - حدیث ۶۲۷. مقتل خوارزمی، جلد ۱ ص ۱۵۹. مجمع الزوائد، جلد ۹ ص ۱۸۷ و ۱۸۸. کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۱۰۸. چاپ جدید و جلد ۶ ص ۲۲۳ چاپ قدیم. الصواعق المحرقة ابن حجر، ص ۱۱۵. خصائص السيوطی، جلد ۲ ص ۱۲۵ و ۱۲۶. جوهره الکلام للقره غولی، ص ۱۱۷. و امالی شیخ طوسی از کتب پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، جلد ۱ ص ۳۲۵. و امالی شجری، ص ۱۷۷ مشروح. ۱۸- عبارت از مستدرک است. ۱۹- مستدرک صحیحین، جلد ۴ ص ۳۹۸. المعجم الکبیر طبرانی، حدیث ۵۵. تاریخ ابن عساکر، حدیث ۶۱۹. طبقات ابن سعد، تحقیق و نشر، عبدالعزیز طباطبائی، ص ۴۲ - ۴۴، حدیث ۶۲۸. تاریخ الاسلام ذهبی، جلد ۳ ص ۱۱. سیر اعلام النبلاء جلد ۳ ص ۱۹۴ و ۱۹۵. مقتل خوارزمی، جلد ۱ ص ۱۵۸ و ۱۵۹. ذخایر العقبی، محب الطبری، ص ۱۴۸ و ۱۴۹. تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۳۰. کنز العمال، متقی، جلد ۱۶ ص ۲۶۶. ۲۰- عبارت متن از مسند احمد بن حنبل است. ۲۱- مسند احمد، جلد ۳ ص ۲۴۲ و ۲۶۵. تاریخ ابن عساکر، شرح حال امام حسین علیه السلام، حدیث ۶۱۵ و ۶۱۷ و تهذیب آن تاریخ، جلد ۴ ص ۳۲۵. معجم الکبیر طبرانی، شرح حال امام حسین علیه السلام، حدیث ۴۷. مقتل خوارزمی، جلد ۱ ص ۱۶۰ - ۱۶۲. تاریخ الاسلام ذهبی، جلد ۳ ص ۱۰. سیر اعلام النبلاء، جلد ۳ ص ۱۹۴. ذخائر العقبی، ص ۱۴۶ و ۱۴۷. مجمع الزوائد، جلد ۹ ص ۱۸۷ و ص ۱۹۰ به سند دیگر، تاریخ ابن کثیر، باب: الاخبار بمقتل الحسین، جلد ۶ ص ۲۲۹ که در عبارت آن چنین است: ما می شنیدیم که او در کربلا کشته می شود. و جلد ۸ ص ۱۹۹. کنز العمال، جلد ۱۶ ص ۲۶۶. الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۱۱۵. الدلائل ابی نعیم، جلد ۳ ص ۲۰۲. الروض النضیر، جلد ۱ ص ۱۹۲. المواهب اللدنیة قسطلانی، جلد ۲ ص ۱۹۵. خصائص سیوطی، جلد ۲ ص ۲۵. موارد الضمان بزوائد صحیح ابن حبان، ابوبکر هیتمی، ص ۵۵۴. در کتب پیروان مکتب اهل بیت - علیه السلام - نیز، امالی شیخ طوسی ت / ۴۶۰ جلد ۱ ص ۲۲۱ که در عبارت آن چنین است: بزرگی از بزرگان ملائکه ... ۲۲- صحیح مسلم، جلد ۲ ص ۶۳۹، کتاب الجنائز، باب: المیت یعذب بیکاء اهله علیه. سنن نسائی، جلد ۴ ص ۱۸، کتاب الجنائز، باب: النهی عن البکاء علی المیت. ۲۳- صحیح مسلم، جلد ۲ ص ۶۳۹. صحیح ترمذی، جلد ۴ ص ۲۲۲، کتاب الجنائز، باب ۲۴. سنن ابن ماجه، جلد ۱ ص ۵۰۸، کتاب الجنائز، باب: المیت یعذب بما نیح علیه. ۲۴- صحیح مسلم، جلد ۲ ص ۶۳۹. سنن نسائی، جلد ۴ ص ۱۸. ۲۵- صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب ۹ حدیث ۲۲ و ۲۳. صحیح بخاری، کتاب الجنائز، باب: یعذب المیت بیکاء اهله علیه، جلد ۱ ص ۱۵۵ و ۱۵۶. سنن نسائی، جلد ۴ ص ۱۸، کتاب الجنائز، باب: النیاحه علی المیت. الاجابه لا- یراد ما استدرکته عایشه علی الصحابه، زرکشی، ص ۸۲، باب: استدراکها علی عمر بن الخطاب. ۲۶- صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب ۹، حدیث ۲۵، صحیح بخاری، جلد ۱ ص ۱۵۶، کتاب الجنائز، باب: المیت یعذب بیکاء بعض اهله. صحیح ترمذی، کتاب الجنائز، باب ۲۵، جلد ۴ ص ۲۲۶ و ۲۲۷. موطا مالک، جلد ۱ ص ۲۳۴، کتاب الجنائز، باب: النهی عن البکاء علی المیت. ۲۷- شرح صحیح مسلم، الامام النووی، جلد ۶ ص ۲۲۸، کتاب الجنائز. ۲۸- عبارت نسائی را آوردم. ۲۹- سنن نسائی، جلد ۲ ص ۱۹، باب: الرخصه فی البکاء علی المیت. مسند احمد جلد ۲ ص ۱۱۰، ۲۷۳، ۴۰۸، ۴۴۴. سنن ابن ماجه، جلد ۱ ص ۵۰۵، کتاب الجنائز، باب: ما جاء فی البکاء علی المیت، حدیث ۱۵۸۷. ۳۰- مسند احمد، جلد ۲ ص ۲۷۳ و ۴۰۸ و نزدیک به آن در ص ۳۳۳.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و

جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد ها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد



بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

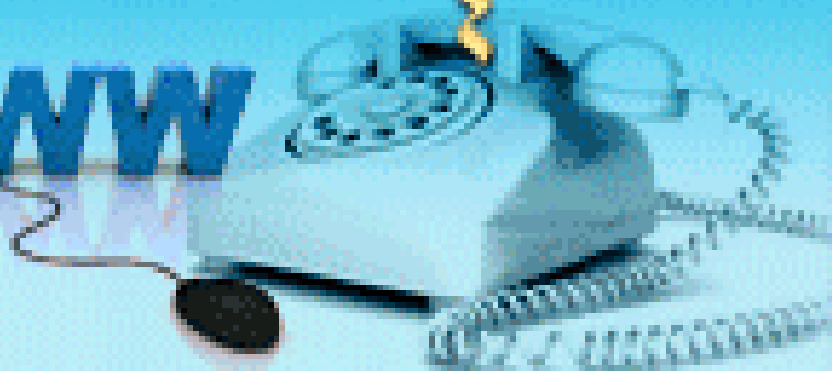


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

